

اقتباس

بقلم: پد. الرسول خان معلم

جغرافیا در عصر نوزدهم

ترقی جنرافیه بصورت واقعی در قرن نوزدهم حاصل گردید .
در خصوص کشف قطعات جدید با موفقیت تمام روی دنیا قدم زدند رفته رفته در روی
نقشه ها جا های خالی کم شد در بسیا ر جای سیاحت بعمل آمد و چیز های زیبا د
شناخته و معلومات صحیح جمع کرده شد . علاوه بران درین دور امر سیاحت اشخاص
عالم در عهد خود گرفته اجرا نمودند . از اشخاص با ذوق و علما نکه در علم های مختلف
اختصاص داشتند هیئت ها تشکیل گردید ، از یک طرف حکومت ها و از طرف دیگر جمعیت
های بزرگ جغرافیا اتفاق نموده باه صرف های بزرگ بجاهائیکه هنوز کشف نگردیده
بود هیئت ها فرستادند . در آوروپا و امریکا هیئت های ژئولوژی (علم الارض)
و مته اریولوژی (عامیکه از اقلیم و حادثات جوی بحث میکند ، رسدات جوی) ،
توپوگرافی اوسه آلوگرافیا (فنی که بجزها و آبهای روی زمین را بروی نقشه
نشان میدهد) تشکیل گردیده دیگر فنون نیز پیشرفت کردند . علم ریاضی
و فزیک که از زمان های خیلی قدیم در مملکت بوده بسعت یافته در سایه تجربه های
مته اریولوژی تصنیف اقلیم بصورت خوبی بدست آمد . معلومات طبعی که در عصر ۱۷
تکامل کرده بود . با الخصوص بحث حیوانات و نباتات شکل قطعی خود را حاصل نموده
بوسیله ترقی ژئولوژی توانستند که اساس های شکل جغرافیا و کره ارض را که
در سابق چطور بود و چه قسم بصورت موجوده در آمده است جستجو نموده تشخیص کنند .
ترقی جغرافیا با معلوماتیکه با مسئله های انسانی ربط دارد معا و نت دیده است .

در عصر نوزدهم بواسطه ظهور علم اتنوگرافی (علمی که در آن از توصیف و تشکیل اقوام بدون اینکه داخل تاریخ آن بشود بحث میکنند یا عادات اطوار اصول لباس و خوراک و غیره چیزهای انسانها را تدقیق نماید) و آنترولوژی (عرفیات) و تأسیس موسسه های استاتستیک (احصائیات) علمی که در دائره يك اصول معین مشغول جمع کردن مسئله های اجتماعی بوده آنها را با رقام نشان میدهد تا باعث جمع آوری معلومات مهم نسبت بمحصولات طبیعی حرکت های نفوس مهاجرت تجارت و سائره گردد که برای ترقی جغرافیا خدمت مهمی کردند.

در عصر نوزدهم اشخا صیغه در اساس و تلقی جغرافیا انقلاب مهمی وارد نمودند و نفع عالم آلمانی مسمی به (الکساندرده هومبولد) و (اکارل ریتز) میباشند هومبولداران جغرافیه شناسای نبود که روی میز خود مشغول حل مسائل جغرافیائی بگردید بلکه يك عالم حقیقی و يك سیاح تعلیم یافته بود که در علم های طبیعی اختصاص نامی داشت هومبولد قسمت مهمی از اروپا، مکسیکو، امریکای وسطی، کولامبیا، ویزوئلا و شمالی آسیا را سیاحت نموده، هومبولد فضیلت های زیادی داشت. حصه مهم اصولهای تدقیق جغرافیای طبیعی اثر آن میباشد.

هومبولد اول کسی است که برای تعیین ارتفاعات اصول استعمال بارومتر و برای نشان دادن عارضه های زمین رسم کرد و قطع جهت و فکر استعمال حساب وسطی و رسم خر بطنه های ایزوترم (خر بطنه ها ئیکه در آن خطوط متساوی السخنوت نشان داده شده باشد) را فهمیده و رائج نموده. هیچ یک سیاح مثل او مدقق نبوده است در مدت پنجاه سالیکه در امریکه وسطی بسر برد سرهایه و وثیقه ها تمام نشریات سلسله بیست ساله خود را جمع نموده نشر کرد. هومبولد تنها يك سیاح غیر نمند یا متخصص علوم طبیعی نبوده بلکه بسبب نشر اثرات خود

قابلیت يك جغرافيا همپايه هو مبولد بميدان آمدند. هو مبولد در حوادتي كه تدقيق کرده هر چه بود با شد مثل تدقيق شكل و عارضه ' يك مجموعه نباتات تنهابان نظريکه ژه نولوژی دان يا يك عالم مته اورولوژيك در تحت تخصص گرفته اکتفا نکرده حادثه را که در يك محيط تدقيق نموده با حادثه هاييکه در روی زمین بوجود آمده است مقایسه و مقابله نموده سبب ها و جهت های مشترك و مختلف آن ها را بدست آورد. است هيچ يك عالم رابطه هاييکه در میان حیات نباتيه ' اقليم و موقعیت های مختلف و انساها موجود است و رابطه بني نهائیکه در میان این حوادث هست بقدر هو مبولد بصورت واضح و قطعی نشان نداده است. چون تمام اثرات هو مبولد بصورت فني برشته نحر بر آورده شده و روی سخن و بیان خود را در طرف سويه علمی فاضلان متوجه ساخته نوشته است نازمان درازی در میان سابقین علم جغرافيا مچمول مانده بود.

کسيکه این نظريات نو و تازه را در میان مردم بصورت تعميم بخشيد کارل ريت سر (۱۷۷۹ - ۱۸۵۹) است. ريت نيز یکی از معلمين دارلفنون برلين بود. اثر های آن عبارت از تقریر های اوست.

مزیت بزرگ ريت در تطبيق اصول تازه در یافته هو مبولد را بصورت واضح و خدمت به تعميم و ابضاح نمودن آن بوده است.

نایریکه ريت در محيط جغرافيا بولليله (۱۸۱۱) مجلد کتاب جغرافياي آنست بقسمتی از آسيا و اوروپا و همی گردیده بود به (ناله بیج گر غرایبه حاصل کرده بود) خیلی بزرگ بود بعد از هو مبولد ريت ترکمان میرفت که يك جغرافيدای جدید تاسیس خواهد کردید. مگر اینچنین نشد. زمین برای نشر افکار این درواهی بدرجه کافی حاضر نبود. مگر در میان متخصصین علوم طبیعی حس فعالیت و جدیت بیدار ساخته و باین صورت در علوم طبیعی و فزیکي رقی فوق العاده دیده شد. عالم های ژه نولوژی ' علمای نباتات و متخصصین مته ره

اولوژی هر کدام در شعبه نائل ترقی بزرگی گردیدند. مگر نسبت بـجغرافیا حرکتی بعمل بیامد. موضع جغرافیا بحرای جدیدی بخود گرفت. بیشتر جغرافیا را عبارت از توصیفهای خشک میدانستند و يك دسته معلومات راجع به خالص حوادث تاریخی و حکایه چند میشناختند. و بشمردن شهرها و عوارض زمین اکتفا میکردند. مگر جغرافیا برای گرفتن شکل قطعی خود زیاده ازین عقب نماند و تخم هائیکه هو مبداد و ریت کشته بودند زمین مساعدی یافته شروع بانکشاف نمودند. این زمین های مساعد را در نصف قرن زده کشف های جغرافیائی حاضر کرد. در سنه (۱۸۶۹) در فرانسه ایسه آرکلوس « لازه » خود را در آلبانیا اوسقار بسجهد « نه اوئه پرو بلمه در ورغ اینجهندن فروقونده » انش را نشر کردند. نشر این دو اثر بانواقص های شان در میان مردم نسبت بجغرافیا هوس و ذوق خوبی بیدار نمود. و رگلوس و قبیله رغبت مردم را باثر خود از حد زیاد دید در جرأت آن افزوده يك اثر بزرگ دیگر بمیدان آورد. این اثر در ۱۸ جلد بوده بنام « که اوغرایهه او نیور سلله » نشر شد. این اثر خیلی بانظام نشر گردید. اگر چه از جنبه علمی قیمتی زیادی نداشت ولی باعتبار اینکه نسبت به تعمیم جغرافیا خدمت خیلی مهم کرده دارای ارزش بلند میباشد؛ بسجهد و رگلوس ذوق حقیقی جغرافیا را زنده ساخته در افکار اهالی عراقی نسبت بجغرافیا تولید نمودند.

از تأسیس جمعیت های جغرافیا استا ستنیک رسمی مردم ذوق مفسر طی بساحت نشان دادند و جغرافیا را علم مستقلی ساخته جزو پروغرام دارا لفتون گردانیده ترقی آن را بحد کمال رسانید.

در فرانسه بروی اصول و راهیکه ویده آل د مابلا جبهه این باز کرد عالم های مانند آ. دلاب پارت، ل. گالوئیس، ۱. دمار توننه، دمانغه اون، ژه آن پرو هئس بوجود آمدند و در آلمان دانشمندان بزرگ جغرافیا مثل: ف. رانرل فرد پماندون رجهتون



مکاتیب عالی از طرف ع ج
وزیر صاحب معارف

فن ، حرمانه و آگزی ، آلپر جهت ینجک و در انکلیس ما نند . ک . ک . جهیس هولم
 ۰۱ ح . هوولی ، آ . ژ . هربرت سون و در امریکا بکامل و . م . داویس و السوورته هو
 تیغتون در میدان عمل کسب وجود نمودند .

اگرچه جغرافیا برای رسیدن مرحله تکامل خود زمان بسیار گرفت اما خیلی با منطق
 و انتظام پیشرفت . زیرا که جغرافیا مجبور بود که در پیشرفت خود بقدم علومی که بآن
 مربوط و سبب ترقیش بوده و آنها نیز مثل خودش دنیا و حیات انسانی را کارش
 نموده اساسها و مطالب شان را اثبیت مینمایند برود . این بود که جغرافیا از علومیکه
 بآن رابطه داشت و وسیله پیشرفتش میگردد نتوانست پیش برود . وقتیکه علوم مربوط
 آن بظهور رسیده پیش میرفتند جغرافیا هم از آنها معاونت گرفته در عقب آنها بطرف
 غایب و مقصد خود پویان گردید و این معاونت معاونین جغرافیا را اصل مطلب خود
 نمود . حالا برای جغرافیائی که در اول از طرف باطالامیوس بصورت خلاصه مساعیش
 ظهور کرده بعد از آن نوطون و واره نیوس آن را احیا کرده است همت کانت آن
 نظریات را بصورت اصول های علمی در آورده . هو مبولد دریت نیز در تعیین و رسم
 حدودش ذی مدخلند میتوان گفت جغرافیا یک مستقل است . جغرافیا به نسبت
 علاقه ئیکه بعلوم مختلف دارد باقسام زیاد منقسم میگردد .

جغرافیای ریاضی ؛ و نسبت زمین در نظام علمی اشکال و وسعت زمین حرکتها
 و نتایج تقسیمات آنها و خشکه روی زمین راند قیق میکند .

کار توغرافی ؛ مشغول میگردد به بحث هائیکه بر سیم و ارائه زمین تعلق دارد ،
 جغرافیای فزیک ؛ عائدست بقشر زمین و شکل ترکیب آن و منقسم است بقسم
 مایعات از قبیل اوقیانوسها ، بحیرهها ، خلیجها ، جهیلها و آبهای جاری و بقسم
 غازات مانند هوا ئیکه کره ارض را احاطه کرده است .

جغرافیای بشری موظف است به تدقیق تمام حواد نیکه در نتیجه فعالیت و موجودیت انسان کسب و جود نموده و تأثیریکه در جود انسان هادارد . و هم از نژاد انسانها و تعداد آنها ، از پراکنده شدن شان بروی دنیا ، طرز سکونت و غذا و لباس شان قدرت و مد نیت آنها و تشکلات اجتماعی شان بحث میکند .

جغرافیای اقتصادی : فعالیت زراعی ، صنعتی و تجاری انسانها را تدقیق میکند



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی